

بایسته‌های اخلاقی مدیریت معنوی امام علی^(ع) در بعد حکومت‌داری اجتماعی^۱

فبروزہ خرم پور^۲

چکیده:

انگیزه تأسیس حکومت و دولت دینی از منظر علی^(ع) برگرداندن آثار دین خدا و اصلاح و ایجاد آسایش در شهرواست. بی‌شک انقلاب شکوهمند اسلامی به ارمغان آوردنده چنین حکومت و دولتی بوده است. لذا این مقاله جستاری است در بررسی بایسته‌های اخلاقی دولت دینی و معرفی حکومت علوی و بررسی ویژگی‌های یک دولت دینی از منظر مولا علی^(ع). آنچه به‌عنوان سؤال مطرح است این است که مبانی، اصول و بایدهای یک حکومت دینی چیست و با توجه به الهام گرفتن از الگو در موفقیت امور، از چه الگویی می‌توان تبعیت کرد؟ هدف از این نوشتار رسیدن به پاسخ همین مسئله است. روشی که در تدوین این مقاله به‌کاربرده شده است روش مطالعه کتابخانه‌ای بوده است. ساختار مقاله به این صورت است که راقم سطور پس از بیان مقدمه و ضرورت و بیان انگیزه‌ی تأسیس دولت دینی به بیان بایسته‌های چنین دولتی پرداخته و در پایان نیز پس از جمع‌بندی مطالب به راهکارهایی ارائه شده است. به صورت مختصر، آنچه از این مقاله دریافت می‌شود این است که حضرت علی^(ع) به‌عنوان کامل‌ترین الگو در تأسیس دولت دینی محسوب شده و برخی از ویژگی‌های بایدهای دولت دینی از منظر ایشان بدین شرح است: عنایت به بیت‌المال، احتراز از اندوختن مال نزد متصدیان حکومت، زهد و ساده‌زیستی گردانندگان امور حکومتی، امر به معروف و نهی از منکر، توجه به حال فقرا و دردمندان، عدالت محوری، شفاف‌سازی، ندادن فرصت به فرصت‌طلبان، عنایت خاص به قوای نظامی و... پس اگر دولتی می‌خواهد ادعای دینی بودن داشته باشد، موفق نخواهد شد مگر با مزین شدن به این صفات و این مقدر نخواهد بود مگر با الگو گرفتن از حکومت علی^(ع).

واژگان کلیدی: دولت دینی، امام علی^(ع)، حکومت علوی، مدیریت معنوی، بایسته‌های اخلاقی

^۱ این مقاله در همایش «مدیریت معنوی جامعه در سیره ائمه اطهار(ع)» ارائه شده است.

^۲ کارشناس علوم قرآنی، معاون پرورشی آموزشگاه شهید احمدی پور، آموزش و پرورش داراب

مقدمه:

با یاد و نام خدای متعال؛ خدایی که علی^(ع) این فرید دهر را به‌عنوان آیین‌نامه تمام‌نمای خود آفرید تا خلق با پرتو گرفتن از انوار او راه سعادت را طی نمایند و به نام خدایی که رحمتش ملت ایران را فراگرفت و با ظهور انقلاب شکوهمند اسلامی، انقلابی که ادامه‌دهنده‌ی نهضت علوی است امنیت، آسایش و عدالت را برای مردم ستم‌دیده ایران عزیزمان به ارمغان آورد. ظهور انقلاب اسلامی ایران باب‌نویسی را در برابر اندیشه چشم‌انداز همه‌ی انسان‌ها و خصوصاً مسلمانان گشوده است. گشایش این باب به نام و عنوان دین رقم خورده است. انقلاب اسلامی ایران آثار دستاوردهای بسیاری داشته و ادعاها و شعارهای گوناگونی را ارائه کرده است. از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب می‌توان به احیای دین و تفکر و فرهنگ دینی در زمانی که دین از صحنه‌ی جامعه بشری کنار زده‌شده بود اشاره کرد. دولت حاکم بر ایران اسلامی دولتی است که خود را دولت دینی و اسلامی نام نهاده و سعی در هم‌رنگ کردن خود با دولت و حکومت علوی دارد. به‌راستی به‌جاست اگر به بیان اصول، مبانی و بایسته‌های اخلاقی دولت و حکومت دینی از منظر امام علی^(ع) بپردازیم، چراکه حکومتی اسلامی‌تر، اخلاقی‌تر و همه‌جانبه‌تر از آن سراغ نداریم.

دولت و حکومت دینی را بدان سبب از این دیدگاه به بررسی می‌نشینیم که اولاً علی^(ع) به‌عنوان برجسته‌ترین تربیت‌یافته مکتب نبی اسلام^(ص) در تجربه چهار سال و نه ماهه‌ی حکومت خود، بایدها و نیابدهای اخلاقی و شیوه‌های باارزشی را در راه تحقق حکومت ناب دینی عرضه داشت. به‌عبارت‌دیگر، آن حضرت از سویی بر حفظ ماهیت خالص دینی حکومت تأکید و اصرار می‌ورزید و از دیگر سو چالش‌هایی را که میان حفظ آن ماهیت و واقعیت‌های محض تاریخی رخ می‌داد چاره‌جویی می‌کرد و این خود درس بزرگی است که همه‌ی دلدادگان آن حضرت باید درصدد فهم و درک آن برآیند. ثانیاً حکومت کوتاه‌مدت علی^(ع) پس از رحلت پیامبر^(ص)، تاریخ‌مندترین و تجربی‌ترین حکومتی بود که بر اساس مبانی و موازین و معیارهای دینی پا گرفت. بدون شک چنین دولت و حکومتی بایسته‌هایی دارد که دولت‌های دینی کنونی باید به دنبال به دست آوردن و اجرای آن‌ها باشند. لذا در این نوشتار سعی شده است به صورت مختصر برخی از این مؤلفه‌ها بررسی شود. آنچه به عنوان سؤال پژوهشی مطرح است این است که مبانی، اصول و بایدهای اخلاقی دولت دینی چیست؟ و الگوی تمام‌عیار اخلاقی برای دولت‌های دینی کدام است؟ هدف از نگارش این مقاله بررسی مبانی و اصول دولت دینی و معرفی الگویی کامل جهت هدایت این دولت است، که راقم سطور در تدوین این نوشتار از روش مطالعه کتابخانه‌ای با استفاده از بیش از ۲۰ منبع معتبر بهره‌جسته است و نیز در خصوص بیان ضرورت بحث باید بگوییم، پرداختن به موضوع مهم دولت دینی و مبانی و اصول حاکم و بایسته‌های چنین دولتی بدین خاطر که در بردارنده عنوان دینی و اسلامی و حافظ آبرو و کیان دین مبین اسلام است، بسیار ضرورت دارد.

الف کلیات مقاله:

طرح مسئله:

بی‌شک بزرگان دین ما کسانی هستند که می‌توانند ما را از گمراهی‌ها نجات داده و به سوی سعادت و نیک‌بختی رهنمون سازند. برهمگان مبرهن است که پیروی از سیره این عزیزان ما را به کمال می‌رساند. لذا اولین قدم در پیروی و تبعیت، شناخت کامل این بزرگواران و گنجینه‌های معنوی است. از میان این بزرگان و افتخارات دینی، زمانی که صحبت از حکومت و اخلاق دولت‌مردی به میان می‌آید اولین سیره و چهره مبارکی که به ذهن مجسم می‌شود، سیره حضرت علی^(ع) است و به جهت اینکه در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که ادعای ما پیروی از امام همام حضرت علی^(ع) و تبعیت از سیره اخلاقی و عدالت محور ایشان است، لذا توقع می‌رود که فاصله موجود بین حاکمیت مسئولین و زمامدار امور مسلمین روزبه‌روز کم و کمتر شود؛ بنابراین ضرورت دارد که سیره اخلاقی حکومت علی^(ع) بررسی و مدنظر قرار گیرد.

مسئله پژوهش:

مسئله موردپژوهش در این تحقیق، معرفی و بررسی ابعاد اخلاق زمامداری و اخلاق حکومتی حضرت علی^(ع) به‌عنوان الگوی حاکمیت اخلاقی است. در این مقاله نگارنده در پی آن است تا شیوه‌های مدیریت حکومتی و بایسته‌های اخلاقی در حکومت دینی امیرالمؤمنین^(ع) را به دستداران حضرتش معرفی نموده تا هم انگیزه‌ای شود برای پیروی از سیره مبارک ایشان و هم کمک نماید به ایجاد حکومت‌های اخلاق-مدار و عدالت محور.

پرسش‌های پژوهش:

پرسش‌های عمده‌ای که نگارنده در این نوشتار در پی رسیدن به پاسخ‌های آن‌هاست و مسیر بحث را نیز تبیین می‌نماید از این قرار است:

- ۱- انگیزه تأسیس حکومت دینی از منظر امام علی^(ع) چیست؟
- ۲- بایسته‌های اخلاقی حکومت دینی از منظر علی^(ع) کدامند؟
- ۳- بر اساس نتایج حاصله و به‌منظور بهبود وضعیت موجود چه راهکارهایی می‌توان ارائه نمود؟

فرضیه:

با توجه به مستندات ارزشمند تاریخی حکومت چندساله حضرت امیرالمؤمنین^(ع) گرچه به لحاظ کمیت و زمانی مقدارش اندک به نظر می‌رسد ولی به لحاظ کیفی (آن‌هم در محور اخلاق و عدالت)

مثال‌زدنی‌ترین و معتبرترین حکومت اسلامی - تاریخی است؛ بنابراین فرض بر آن است که رمز موفقیت حاکمان جوامع اسلامی فقط و فقط پیروی از سیره اخلاقی امیرالمؤمنین^(ع) در امر حکومت‌داری بوده و فاصله گرفتن از آن و بسنده کردن به شعارهای محض و تئوری نه تنها موفقیتی در پی نخواهد داشت بلکه باعث مخدوش کردن باورها و اعتقادات مردمان و رعیت خواهد شد.

تعریف مفاهیم:

بایسته: بایسته به معنای لازم بودن، واجب بودن، ضروری بودن (معین، ۱۳۸۱، ص ۱۶۰)

اخلاق: خوی‌ها، خصلت‌ها (معین، ۱۳۸۱، تک‌جلدی، ص ۵۶)

حکومت: فرمان دادن، امر کردن، فرمانروایی کردن، داوری کردن، قضاوت کردن، فرمانروایی، سلطنت، پادشاهی (معین، ۱۳۸۱، ص ۴۰۰)

دینی: آیین، منسوب به دین، در این متن منظور دین اسلام است.

منظر: محل نظر، جای نگریستن، دورنما، چشم‌انداز (معین، ۱۳۸۱، ص ۱۰۴۶)

امام علی^(ع): پیشوای اول شیعیان، امام اول و معصوم دوم.

ب. پیشینه علمی بحث:

تاکنون کتب و مقالات چشمگیری در خصوص حضرت علی^(ع) و شیوه‌های زمامداری و بررسی اخلاق علوی تدوین و به چاپ رسیده است، آثاری همچون اصول و مبانی حکومت اسلامی از منظر امام علی^(ع) نوشته حسین نوری همدانی، در هوای حق و عدالت نوشته محمدعلی موحد، امام علی و عدالت اجتماعی نوشته احمد راسم النفیس، امام علی عدل و عدالت نوشته محمد حکیمی و آثار ارزنده دیگر که هر کدام در جای خود قابل ستایش و قدردانی است اما این اثر به جهت سبک ارائه مطالب از ویژگی منحصره‌فردی برخوردار بوده و می‌تواند مطالب مورد نیاز خواننده گرامی را به صورت دسته‌بندی در اختیار وی قرار دهد.

ج. روش تحقیق:

نوع و روش تحقیق:

تحقیق از نوع توصیفی است. مطالب از تمامی کتب، نشریات و سایت‌های مرتبط با موضوع استخراج شده و مورد استفاده اسنادی قرار گرفته است.

چگونگی جمع‌آوری اطلاعات:

تکنیک گردآوری اطلاعات و داده‌ها فیش‌برداری، خلاصه‌نویسی و گردآوری از منابع مختلف بوده است.

روش انجام مطالعه:

ابتدا چارچوب کلی، فهرست‌وار ترسیم شده و تقسیم‌بندی‌های لازم با توجه به تحدید مسئله صورت گرفته است. سپس منابع لازم تهیه و پس از بررسی اعتبار و روایی آن‌ها، مطالعه، فیش‌برداری و خلاصه‌نویسی آغاز گردیده است. در ادامه، کل مطالب گردآوری، تجزیه و ترکیب شده و ضمن بازنگری، تدوین نهایی صورت گرفته است.

د. اهداف تحقیق:

هدف از تدوین این مقاله ارائه اطلاعات ارزشمند از نحوه حکومت‌داری مولای متقیان حضرت علی‌بن‌ابی‌طالب^(ع) و خدمت به خاندان والای عصمت و طهارت است. پس اهداف این مقاله در ابعاد زیر قابل بررسی است:

۱- **هدف کلی:** تحقیق پیرامون سیره ارزنده و معنوی زندگی و امور اجتماعی بزرگان دین و امامان معصوم (علیهم‌السلام)

۲- **هدف غایی:** یادآوری انگیزه تأسیس حکومت توسط حضرت علی^(ع)، بررسی ویژگی‌های اخلاقی حکومت علوی و معرفی چراغ راهنما فرا راه حاکمان جوامع اسلامی و معرفی ملاک و معیار موفقیت در زمامداری در جوامع مسلمین بالأخص جامعه شیعه و علوی.

بحث اصلی:

انگیزه تأسیس حکومت دینی از منظر امام علی^(ع):

قبل از هر چیز شایسته است که به بیان انگیزه تأسیس حکومت دینی از منظر امام علی^(ع)، یا بهتر بگوییم انگیزه تأسیس حکومت علوی (که مصداق کامل موضوع این مقاله است) بپردازیم. در این باره عبارات ذیل را از خطبه‌ی صدوسی‌ویکم امام^(ع) می‌آوریم:

«بارخدا، تو به آنچه که از ما صادر شده است آگاهی (جنگ‌ها و زدوخوردها) که نه برای میل و رغبت به سلطنت و خلافت و نه برای به دست آوردن چیزی از متاع دنیا بوده است، بلکه برای این بود که (چون فتنه و فساد در شهرها شیوع یافت، ظلم و ستم بر مردم وارد گشت و حلال و حرام تغییر نمود) آثار دین

تو را (که تغییر یافته بود) بازگردانیم و در شهرهای تو اصلاح و آسایش را برقرار نماییم تا بندگان ستم‌کشیده‌ات در امن و آسودگی باشند و احکام ضایع مانده‌ات جاری گردد.» (نهج‌البلاغه، ترجمه خطبه ۱۳۱) در خطبه‌ی سی و سوم نیز در رابطه باهدف علی^(ع) از تشکیل حکومت چنین بیان شده است:

«عبدالله بن عباس گفت: در ذی قار (نام موضعی در نزدیکی بصره) بر امیرالمؤمنین^(ع) هنگامی که پینه کفش خود را می‌دوخت، وارد شدم. پس سؤال فرمود: «قیمت این کفش چقدر است؟» عرض کردم: ارزشی ندارد. فرمود: «به خدا سوگند که این کفش در نزد من از امارت و حکومت بر شما محبوب‌تر است، لکن من قبول چنین امارت و حکومتی نموده‌ام، برای اینکه حقی را ثابت گردانم یا باطلی را براندازم.» (نهج‌البلاغه، ترجمه خطبه ۳۳)

آری به خدا سوگند دولتی که داعیه دینی و اسلامی دارد و خود را پیرو حکومت اسلامی مولا علی^(ع) می‌داند، هدفی به‌جز هدف مولایش در حکومت‌داری دنبال نمی‌کند و اندکی از این مسیر الهی تخطی نمی‌نماید که اگر چنین شد بایستی در دینی و اسلامی بودن آن شک کرد.

بایسته‌های اخلاقی حکومت دینی از منظر علی^(ع):

با اندکی تأمل در حکومت امام علی^(ع) به‌وضوح پی می‌بریم که چه مؤلفه‌ها و فاکتورهایی مورد نظر ایشان در نحوه زمامداری بوده است. ایشان به چه مسائلی در این خصوص اهمیت می‌داده‌اند و چگونه با مردم و زیردستان برخورد داشته‌اند و از آنجاکه حکومت علی^(ع) حکومتی الهی و خداگونه است، آنچه را که مورد اهتمام ایشان بوده است می‌توان به‌عنوان بایسته‌های دولت دینی و حکومت اسلامی به‌شمار آورد. آن حضرت به‌کرات در مورد آنچه مد نظرش بوده است در نامه‌های خود به زمامداران و خطبه‌ها و کلمات قصار اشاره نموده است. در اینجا به ذکر و معرفی برخی از بایسته‌های دولت دینی از دیدگاه امیر-المؤمنین^(ع) که به‌طور مستقیم خود ایشان به آن‌ها اشاره نموده است می‌پردازیم. به‌راستی با مقایسه شیوه عملکرد دولت و حکومت‌هایی که ادعای دینی و اسلامی بودن دارند با این مؤلفه‌ها می‌توان به‌راحتی پی برد که آیا این دولت‌ها واقعاً دینی و خدایی هستند یا فقط شعار آن را سر می‌دهند. بایسته‌های دولت دینی از دیدگاه امیرالمؤمنین:

۱- توجه به بیت‌المال و دقت در صرف آن:

یکی از اصول مهم دولت دینی و از جنبه‌های مهم تمایز آن از دیگر دولت‌ها عنایت به بیت‌المال مسلمین است، همان چیزی که مولای متقیان توجه وافری نسبت به آن داشته است. امام علی^(ع) خطاب به کارگزاران امور مملکتی می‌فرماید: «کتب ع الی عماله: ادقوا اقلامکم و قاربوا بین سطورکم و احذفوا عنی

فضولکم و اقصوالمعانی و ایاکم و الاکتار، فان اموال المسلمین لاتحتمل الاضرار. قلم‌های خود را نازک بتراشید، سطرها را نزدیک به هم بنویسید، عبارات و کلمات زائد را حذف کنید، به معنا و مفهوم توجه داشته باشید و از زیاده‌روی در نوشتن پرهیز نمایید؛ زیرا به اموال مسلمانان نمی‌توان ضرر و زیان وارد ساخت.» (ابن بابویه، ۱۳۸۹ هـ ق، ج ۱، ص ۱۴۹)

در این خصوص نمونه‌های فراوانی از نامه‌هایی که حضرت امیرالمؤمنین^(ع) به کارگزاران خود مرقوم فرموده‌اند موجود است، از جمله خطاب به پسرعموی خویش؛

«تو را در امانت خود شرکت دادم و محرم کارهای خویش نمودم... ولی همین که دیدی وضع زمانه تغییر کرد، تو نیز از فرصت استفاده کردی و از بیت‌المال برای خود تصرف نمودی، پس از خدا بترس و اموال قوم و ملت خود را به ایشان بازگردان و اگر چنین نکنی و خداوند مرا یاری رساند، با همان شمشیری که به هر کس زده‌ام راه جهنم را پیش گرفته است، آن را بر فرق تو نیز فرود خواهم آورد.» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۱)

در نامه بیست و ششم نیز از این قبیل نامه‌ها دیده می‌شود:

«و ان اعظم الخيانة خيانة الأمه افضع الغش غش الأئمة و السلام. و بزرگ‌ترین خیانت‌ها، خیانت به مسلمانان و پلیدترین غش و تقلب، غش در برابر پیشوایان ملت است.» (نهج‌البلاغه، نامه ۲۶)

مجمع تیمی روایت کرده است که: «علی^(ع) هر جمعه بیت‌المال را جارو می‌کرد و در آن دو رکعت نماز می‌گزارد و می‌گفت: برای آنکه روز قیامت به نفع من شهادت دهد.» (راسم النفیس، ۱۳۸۰، صص ۱۸۱-۱۳۷)

۲- دوری از مال‌اندوزی:

در دولت دینی، متصدیان خالصانه و صادقانه خدمت می‌کنند و برای خود اموالی ذخیره نمی‌کنند و این را از مولایشان آموخته‌اند که ایشان در این باره چنین می‌فرمایند:

قال علی^(ع) دخلت بلادکم بأشمالی هذه و رحلتی و راحتتی هاهی فأن أنا خرجت من بلادکم بغیر ما دخلت فانی من الخائنین.

من وارد این شهر شدم و برای قبضه کردن امور حکومت، لباسی بر تن داشتم و بر مرکبی سوار بودم؛ همین مرکب که اکنون زیر پای من است و لباسی که الان در بردارم و آن اندازه از اثاثی که مسافری به همراه دارد (مشکی، لیوانی و قاشقی). اگر بعد از چند سال حکومت، از این شهر بیرون روم و چیزی بیش از این همراه داشته باشم، بدانید که نسبت به شما خیانت کرده‌ام.» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ ق، ج ۴۰، ص ۳۲۵)

«نظام صالح و نیرومند و دولت دینی بر اراده مردم تکیه دارد. این است که در بحران‌ها و حوادث اجتماعی-اقتصادی، توده‌ها به پشتیبانی آن برمی‌خیزند و کمبودها را می‌پذیرند و طرح‌ها و برنامه‌های اقتصادی را اجرا می‌کنند و به کار و تلاش و سازندگی و صرفه‌جویی دست می‌زنند. یک نظام آنگاه می‌تواند بر اراده مردم تکیه کند که عدالت اجتماعی را حاکم کرده باشد تا تعادل و توازن اقتصادی موجب گردد که همگان به قصد و نصیب خود-به‌وجه مناسب- دست یابند (و کسی به فکر مال‌اندوزی نباشد و آنچه می‌خواهند برای همگان باشد). نظام حاکم اگر به قشر ثروتمند و بخش خصوصی روی کرد و در خدمت آنان قرار گرفت یا برخی از افراد نظام از آنان بودند، نیروهای فداکار و مردمی را از دست می‌دهد و در برابر حوادث و مشکلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی بی‌پشتوانه می‌ماند.» (حکیمی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۵)

آری متصدیان دولت دینی و کارگزاران چنین حکومتی آنچه به فکرشان نمی‌رسد مال‌اندوزی و بستن توشه خویش، اطرافیان و قشری خاص است.

۳- زهد و سادگی مسئولین حکومتی:

از آنجاکه گردانندگان امور دولتی، آن‌هم از نوع دینی، افرادی زاهد بوده و زهد با روان آنان مرتبط و عجین است، لذا ایشان به خاطر هم‌سطح کردن زندگی خود با فقیران و تهیدستان راه زهد و ساده‌زیستی را در پیش گرفته‌اند و این را نیز به‌مانند دیگر باید‌ها از مولایشان علی بن ابی‌طالب^(ع) آموخته و بر خود واجب ساخته‌اند. حضرت امیرالمؤمنین^(ع) در این باره می‌فرماید: «ان الله تعالى فرض على أئمة العدل ان يقدروا أنفسهم بضعفه الناس، كيلا يتبغ بالفقير فقره. خداوند بر پیشوایان حق واجب کرده است که وضع زندگی خود را با مردمان تنگدست برابر و در یک سطح قرار دهند تا فقر و تنگدستی، فشاری بر فقرا وارد نکند.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۹)

در سوره دخان آیه ۱۸ آمده است: «أَنْ أَدُوا إِلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ انِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ. به‌راستی در فرهنگ قرآن، مردم امانت الهی هستند.»

باید سعی شود که با پیش گرفتن راه زهد و سادگی این امانات الهی را حفظ کرد. پیامبر اکرم^(ص) در حدیثی فرمودند: «رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ التَّحَبُّبُ إِلَى النَّاسِ. سرآمد عقل و اندیشه بعد از ایمان به خدا، دوستی با مردم است.» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۴، ص ۱۵۸، به نقل از: معاونت فرهنگی پرورشی نیروی مقاومت بسیج، ۱۳۸۲، ص ۱۳۷) و این میسر نخواهد شد مگر با رعایت زهد و سادگی و هم‌رنگ عموم شدن. والی که زاهد و ساده باشد با مردم خود مانند یک پدر مهربان رفتار می‌کند، آن‌چنان که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار با مسئولین نظام می‌فرمایند:

«در روایات واردشده که والی و حاکم اسلامی در همه سطوح (وزیر، استاندار، بالاتر و پایین‌تر، همه مشمول این جمله هستند) با مردم باید مثل پدر نسبت به فرزندان مهربان باشد. اگر به شما خبر برسد که فرزندان از بیماری، سرما، گرما، گرسنگی، تحقیر، اهانت و غربت رنج می‌کشند، چه حالی پیدا می‌کنید؟ می‌توانید تحمل کنید؟ در سطح کشور نسبت به هرکس چنین اتفاقی بیفتد تا آنجا که شما علم و اطلاع دارید، باید همین احساس را داشته باشید» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۸۲/۵/۲۰، ش ۶۹۸۳)

۴- امر به معروف و نهی از منکر:

از دیگر بایسته‌ها و مبانی دولت دینی که باز هم آن را از دیگر حکومت‌ها متمایز می‌سازد انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر است تا آنجا که این واجب الهی را سرلوحه امور خود قرار داده است. امر به معروف و نهی از منکر باعث از بین رفتن بی‌تفاوتی و بقای جوامع خواهد گردید. امام علی (ع) در خصوص اهمیت امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید:

«فان الله سبحانه لم یلعن القرن الماضي بین ایدیکم الا لتركهم الامر بالمعروف والنهی عن المنکر. خداوند از این جهت ملل گذشته را مورد لعن قرار داد که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کرده بودند.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۴) و نیز در جای دیگر می‌فرماید: «هرگز امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید. زیرا در این صورت اشرار بر شما مسلط می‌شوند و هرگاه دعا کنید، مستجاب نخواهد شد.» (همدانی، ۱۳۸۰، صص ۳۱-۳)

مردی خدمت پیامبر اکرم (ص) رسید، درحالی که آن حضرت، روی منبر نشسته بود پرسید: «من خیر الناس؟ چه کسی از همه مردم بهتر است؟» پیامبر اکرم در پاسخ او فرمود: «أمرهم بالمعروف و انہا هم عن المنکر واتقاهم الله وارضاہم؛ آن کس که از همه بیشتر امر به معروف و نهی از منکر کند و آن کس که از همه پرهیزگاتر باشد و آن کس که در راه خشنودی خدا از همه بیشتر گام بردارد.» (قربانی لاهیجی، ۱۳۷۹، ص ۶۶)

۵- توجه به محرومین و تلاش در فقرزدایی:

در دولتی که به نام دولت دینی مزین است تمامی فقرا و نیازمندان چشم امیدشان به دست مسئولین و دولتمردان است، چراکه شعار همیشگی مسئولین چنین حکومتی در اولویت قرار دادن نیازمندان بوده و به‌راستی که تمام سعی‌شان نیز همین است. کارگزاران حکومت دینی خود را ادامه‌دهنده راه علی (ع) می‌دانند و از فرمایش پیامبر اکرم (ص) تبعیت می‌کنند که: «ان الله عبداً خلقهم لحوائج الناس. همانا برای خدا بندگان مخصوصی (کارگزاران و مدیران) است که آنان را برای برآوردن نیازهای مردم آفریده است.»

(مجیدی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۲۶). کسی که در عین قدرت و توان، شبانه کیسه بردوش گرفته و درب خانه مستمندان را دق الباب می‌کرد. پس از بایسته‌های دیگر و ضروری دولت دینی، رسیدگی به حال محرومان است.

در جای جای نهج‌البلاغه از فقر و مشکلاتی که تنگدستی برای افراد جامعه ایجاد می‌کند، سخن به میان آمده است و به بیان رابطه فقر با جهل و درد و مرض و محرومیت‌های اجتماعی و انواع مشکلات پرداخته است.

روزی حضرت علی^(ع) بر پیرمردی نابینا عبور می‌کرد که دست نیاز به‌سوی خلق دراز می‌نمود و چون دریافت که وی نصرانی است فرمود: «استعملتموه حق اذا کبر وعجز منعموه أنفقوا علیه من بیت المال. چندی که جوان و مشغول بود از او کار کشیدید، ولی حالا که پیر و ناتوان شده است به او کمک نمی‌کنید. باید از بیت‌المال ارتزاق شود و زندگی کند.» (حر عاملی، ۱۳۷۶ ه ق، ج ۱۱، ص ۴۹)

حضرت علی^(ع) در اواسط نامه پنجاه و سوم نهج‌البلاغه، به مالک اشتر می‌فرماید: «ثم الله الله فی الطبقة السفلی. از خدا در قبال طبقه محروم اجتماع و مساکین و محتاجین بترس.» چه بسا در این طبقه افراد آبرومندی هستند که از لحاظ اقتصاد زندگی در مضیقه‌اند. سپس فرمود: «فان الاقصی منهم مثل الذی لادنی. آن کس از فقرا و محرومین که در دورترین نقطه مملکت است همان حقی را دارد که نزدیک‌ترین آن‌ها به شما.» در جای دیگر می‌فرماید: «وکلُّ قد استرعیت حقه. پس در برابر حق همه آنان مسئولیت داری.» سپس می‌فرماید: «... فلا یسغلنک عنهم بطر؛ و مبادا خوش‌گذرانی و سرگرمی در تنعم، تو را از حال ایشان غافل کند.» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

آری درباره رسیدگی به حال محرومین و فقرا مطلب بسیار زیاد است و اساس حکومت علی^(ع) به‌عنوان کامل‌ترین و الگوترین دولت دینی نیز بر همین پایه استوار است.

۶- وحدت بین مسلمین:

اتحاد و یکپارچگی، از عناصر مهم اصلی دولت دینی و حکومت اسلامی از منظر علی^(ع) به‌شمار می‌رود. افراد و افکار باید با هماهنگی کار کنند تا در پیشرفت‌های زندگی موفق باشند و هرگاه چنین نباشد دیگر جامعه دوام و قوام خود را از دست می‌دهد و اختلاف باعث می‌شود که فکرها به تخریب یکدیگر پردازند: «الخلافا یتهدم الرأی. اختلاف همیشه فکرها را ویران می‌کند.» (نهج‌البلاغه، کلمه قصار ۲۰۶)

در خطبه قاصعه که طولانی‌ترین خطبه‌های نهج‌البلاغه است نیز تذکرات فراوانی در این باب به چشم می‌خورد:

«پس نظر کنید چه می‌کردند، آن هنگام که همه ملت باهم ائتلاف و اتحاد داشتند، دل‌ها به هم نزدیک بود، دست‌ها برای یکدیگر کار می‌کرد و شمشیرها پشت‌وپناه همدیگر و دیدگان به یک‌سو دوخته و تصمیم‌ها یگانه بود.» (نهج‌البلاغه، ترجمه خطبه ۲۳۴)

در آن صورت: «آیا همان‌ها در آن موقع در حال ترقی و تکامل نبودند و آیا آن‌همه قدرت نداشتند؟ ولی همان ملت‌ها هنگامی که باهم افتراق و اختلاف پیدا کردند و کلماتشان با یکدیگر متفاوت شد و جناح‌بندی‌ها میان آن‌ها به وجود آمد، خداوند لباس کرامت را از آنان سلب کرد و نعمت‌ها را از آن‌ها گرفت و اخبار ایشان برای ما به‌عنوان پند و موعظه باقی ماند.» (نهج‌البلاغه، ترجمه خطبه ۲۳۴)

امام علی^(ع) در جای دیگر نیز چنین می‌فرماید: «و انما انتم اخوان علی دین الله، ما فرق بینکم الا خبث السرائر و سوء الضمائر. به‌درستی که شما برادران دینی هستید و آنچه باعث اختلاف بین شما می‌شود، خبث سرائر و سوء‌ضمایر است.» (نهج‌البلاغه، ترجمه خطبه ۱۱۲)

۷- شفاف‌سازی:

از دیگر بایسته‌های دولت و حکومت دینی از منظر علی^(ع) پنهان نکردن کارها از مردم و شفاف‌سازی است. لذا بر متصدیان امور حکومتی، دولتی و مملکتی است که همیشه مردم را در جریان کارها قرار دهند. امیرالمؤمنین علی^(ع) در این خصوص به مالک اشتر می‌فرماید: «وان ظنت الرعیه بک حیفاً فاصحر لهم بعذرک، واعدل عنک ظنونهم باصحرارک. و اگر گمان بدی در میان مردم درباره تو رفت، عذر خود را برای آنان بیان کن و مطالب را برایشان روشن نما تا بدگمانی برای کسی باقی نماند.» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

آری اگر با پنهان‌کاری اعتماد و اطمینان میان مسئولین و مردم سلب شود چنین حکومتی قادر به ادامه حیات نخواهد بود، مگر با استبداد و زورگویی، در دولت دینی و جامعه اسلامی دولتمردان از این خصیصه ناپسند مبری بوده و به رعایت شئون سعی در جلب اعتماد دارند و از آنجاکه کاری نمی‌کنند که خلاف عرف و شرع باشد نیازی به کتمان امور و افعال ندارند و به این خاطر است که مردم دوستدار چنین حکومت و دولتی هستند.

۸- ندادن امتیاز و فرصت و عدم سوءاستفاده از موقعیت:

از دیگر مؤلفه‌های دولت دینی و حکومت اسلامی رفتار با تساوی و عدالت است، آنچه در دولت دینی و تقسیم مسئولیت معنا دارد نظام شایسته‌سالاری است و اگر کسی در رأس کاری نهاده

می‌شود به دلیل تجربه، تخصص، و کارآمدی است نه به خاطر خویشاوندی و ذوق و سلیقه‌ی شخصی. آنچه ملاک برخورد با افراد را در دولت دینی معین می‌سازد ضوابط است نه روابط. در دولت دینی که خوشبختانه دولت ما نمونه‌ی کامل آن است کسی به جهت نزدیکی و داشتن رابطه با متصدیان و مسئولین در انتظار قرار گرفتن در رأس امور و رسیدن به پست و مقام نیست و نه کسی به خاطر مسئولیتش از جاه و موقعیتش به شیوه‌های مختلف سوءاستفاده می‌کند و نه کسی از موقعیت اطرافیان خود به دنبال سوءاستفاده و درازدستی است. امام علی بازم در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر در این باره چنین متذکر می‌شود:

«ثم ان للوالی خاصه و بطنه، فیهم استتارٌ و قله انصاف فی معامله، فاحسم ماده اولئک بقطع اسباب تلک الاحوال. بدان که همیشه برای والی و فرمانروا نزدیکان و خواص و بطنه و محرم کارها وجود دارد و در میان آن‌ها درازدستی به مال مردم و امتیازخواهی و بی‌انصافی فراوان است. پس این قبیل کارها را قطع کن.»

همچنین در کلام ائمه اطهار (علیهم‌السلام) سفارش‌های فراوانی وجود دارد که در هر شرایطی باید جلوی دادن امتیازها را گرفت.

۹- تلاش در جلب رضایت عموم:

از آنجاکه دولت دینی دولتی است که منتخب عموم مردم است و به جهت عملکرد پسندیده‌ای که دارد تمام مردم جامعه خواهان آن هستند، پس سعی چنین دولتی نیز جلب رضایت همه مردم از راه مشروع و قانونی است. امام علی^(ع) در این باره خطاب به مالک اشتر می‌فرماید:

ولیکن احب الأمور الیک اوسطها فی الحق و اعمها فی العدل، واجمعها لرضی الرعیه. محبوب‌ترین کارها نزد تو، در اداره امور مملکتی، مراعات میانه‌روی در حق و عمومیت دادن آن در برابری و دادگری است که سبب خوشنودی بیش‌تر رعیت می‌شود. (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

حضرت علی^(ع) معتقدند: «فان سخط العامه یجحف برضی الخاصه. ناخوشنودی همگان، رضایت تعدادی اندک را پایمال می‌کند.» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

به دست آوردن رضایت عموم بدون اهتمام به کارهایشان میسر نخواهد بود و به فرموده نبی مکرم اسلام هر کس چنین نکند مسلمان نخواهد بود: «هر که به کار مسلمانان اهتمام نوزد، از آنان نیست و هر که صبح و شام، خیرخواه خدا و پیامبر او و کتاب و امامش و توده مسلمانان نباشد، از آنان نیست.» (کنز العمال:

جلب رضایت چند نفر معدود، میزان نیست و ملاک رضایت عموم مردم است. لذا تأکید می‌نمایند: «همانا کسانی که دین را حمایت می‌کنند و سبب اجتماع مسلمانان و مهیا برای مقابله با دشمنان‌اند، عامه امت هستند. پس باید با آنان همراه باشی و میلّت به‌سوی آن‌ها باشد.» (کنز العمال: ۹/۴۰/۲۴۸۳۶)

و نیز از همین رو است که می‌فرماید: «وان افضل قره عین الولاة استقامه العدل فی البلاد، وظهور موده الرعیة. نور چشم ولات و فرمانروایان آن است که عدالت در شهرها و بلاد حکم‌فرما شود و رعیت و مردم، همه، فرمانروا را دوست داشته باشند.» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

۱۰- احترام به مردم و حفظ کرامت آنان:

انسان‌ها از نظر فردی و اجتماعی دارای شخصیت و شأن هستند. رعایت شئون فردی و اجتماعی افراد و حفظ شخصیت آنان بر همگان واجب است. دولت دینی حرمت نهادن به شخصیت حقیقی و حقوقی افراد را از بالاترین ارزش‌های انسانی-اسلامی می‌داند. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «اذا أتاکم کریم قوم فأكرموه. هنگامی که با بزرگان روبه‌رو شدید، احترامشان کنید.» (کلینی رازی، ۱۴۰۱ هـ ق، ج ۲، ص ۱۵) مولای متقیان علی^(ع) نیز در این خصوص فرموده است:

«مالکا، باید دلت از رحمت و محبت مردم مالا مال باشد و لطف و دوستی نسبت به آنان روا داری و نباید همچون جانور درنده‌ای خوردن آن‌ها را غنیمت شماری؛ زیرا مردم دو صنف هستند: گروهی برادر دینی تو هستند و دسته‌ای اگرچه مسلمان نیستند اما مثل تو انسان و محترم هستند و حفظ حرمتشان لازم است.» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، ترجمه)

در کلمات قصار سی و ششم آمده است: هنگامی که علی^(ع) برای جنگ صفین به شام می‌رفت دهاقین و رعایای شهر انبار به احترام پیاده شدند و در کنار آن حضرت حرکت کردند و پیشاپیش ایشان دویدند. حضرت بسیار ناراحت شدند و از آنان پرسیدند: «ما هذا الذی صنعتموه؟ این چه کاری است شما کردید؟» آن‌ها پاسخ گفتند: «خلقنا منّا نعظم به امراءنا! این خوی ما است که امیران بلاد خود را بزرگ می‌شماریم.» سپس امام فرمودند: «به خدا سوگند امرایان از آن سودی نبرند! و شما در دنیایتان خود را به‌سختی می‌آزاید و به آخرت نیز خویشتن را بدبخت می‌دارید.» در اینجا تأکید می‌کنم که امروز زمانه فرق کرده است، اما در آن زمان این کارها اهانت محسوب می‌شد و از دیدگاه حضرت علی^(ع) باکرامت انسان منافات داشت. (همدانی، ۱۳۸۰، صص ۳۱-۳)

۱۱- دقت در گزینش قوای نظامی:

قوای نظامی و انتظامی به‌عنوان مجریان قانون و حافظان امنیت بایستی افرادی باشند دارای دین، باور و احترام گزار به عموم، چراکه در دولت دینی اهانت به هم‌نوع و دیگران جایگاهی ندارد و اگر این افراد به‌گونه‌ای عمل نمایند که تمامی افراد را به چشم متهم بنگرند دیری نخواهد پایید که مردم نسبت به‌نظام، دولت و دین بدبین شده و علت آن نیز چیزی نخواهد بود مگر رفتار ناشایست نیروهای نظامی و انتظامی. و از طرفی دیگر این‌گونه افراد باید افرادی قابل‌اطمینان و اعتماد بوده و از موقعیت خود سوءاستفاده نمایند، و اگر کارآمدی اینان در این موارد اثبات شود باعث عزت دین و دولت دینی خواهند شد. امام علی^(ع) در نامه‌ای به مالک اشتر می‌فرماید: «فالجند، باذن الله، حصون الرعیه، وزین الولاة، وعز الدین، وسبل الأمن، ولیس تقوم الرعیه الا بهم». پس لشکریان به فرمان خداوند، قلعه‌های محکم مردم، زینت فرمانروایان و باعث عزت دین هستند و راه‌های امنیت به این وسیله تأمین می‌شود و کار رعیت جز به سپاهیان قرار نگیرد. (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

۱۲- عدالت‌گستری و دوری از ظلم:

از بایسته‌ها و نشانه‌های بسیار مهم و حیاتی یک دولت دینی، عدالت محوری، عدالت‌گستری و احتراز شدید از ظلم است. مردم به‌ویژه مظلومین، تنها توفیقی که از دولت دینی و حکومت اسلامی دارند اجرای عدالت و دوری از ظلم و ستم و ستاندن حق آنان از ظالمان و ستمگران است و رمز بقای چنین دولتی نیز همین امر است و می‌توان گفت این صفت و خصوصیت است که رنگ و صبغه دینی و اسلامی به چنین دولتی می‌بخشد. در خطبه‌ی ۳۶ نهج‌البلاغه آمده است: «و بدان که برترین بندگان نزد خدا، پیشوای عادل و درستکاری است که خود به راه حق هدایت شده است و دیگران را راهنما باشد، پس سنت و طریقه‌ی دانسته شده پیغمبر اکرم^(ص) را برپا دارد و بدعت باطل و نادرست را بمیراند و سنت‌ها روشن و هویدا هستند و آنان را نشانه‌هایی است و همچنین بدعت‌ها آشکارند و آن‌ها نیز نشانه‌هایی دارند و به‌درستی بدترین مردم، نزد خدا، پیشوای ستمگری است که خود گمراه باشد و دیگران هم بدو گمراه شوند؛ پس سنت معمول (از رسول خدا گرفته‌شده) را بمیراند و بدعت ازمیان‌رفته را زنده کند، و از پیغمبر خدا^(ص) شنیدم که می‌فرمود: «به‌روز رستاخیز، پیشوای ستمکار را فرامی‌خوانند که نه او را یاوری است و نه عذرخواهی و آنگاه به آتش دوزخ افکنده می‌شود و در آن می‌چرخد، چنان‌که آسیاب گردش می‌نماید، سپس در ژرفای جهنم، زندانی و بازداشته می‌شود.» (نهج‌البلاغه، ترجمه خطبه ۱۶۳)

محبوبیت دولت علوی و خلافت ایشان عدالت‌خواهی آن حضرت بود که دولتمردان ما نیز باید تمام سعی‌شان در ادامه راه آن حضرت باشد. عده‌ای به امام علی^(ع) پیشنهاد می‌کردند که ایشان به بعضی

کمک و مساعدت نماید تا آن‌ها نیز پشتیبان حکومت علوی باشند. امام^(ع) این کار را ظلم می‌دانست و آن را تبعیض تلقی می‌فرمود و در همین خصوص در خطبه‌ای می‌فرماید:

«أَتَأْمُرُونِي أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالْجَوْرِ فِيمَنْ وَلِيَتْ عَلَيْهِ؟ وَاللَّهِ لَا أَطُورُ بِهِ مَا سَمَرَ سَمِيرًا، وَمَا مَنَ نَجْمًا فِي السَّمَاءِ نَجْمًا.»
مرا امر می‌کنید با توسل به جور، آن‌هم به کسی که ولی اویم، طلب نصرت کنم! به خدا قسم، تا ستاره‌ای پس ستاره‌ای حرکت می‌کند و شب و روزی برقرار است، هرگز چنین کاری نکنم.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۶)

یا به نقلی در زمان عثمان، بیت‌المالی را بدون حساب به مردم داده بودند و حضرت^(ع) همه آن‌ها را به خزانه بازگرداند: «به خدا اگر ببینم کابین زنان در تزویج و بهای کنیزان از بیت‌المال مردم بوده باشد همه را پس می‌گیریم، زیرا در عدل وسعتی است و کسی که عدل را برنتابد جور و ظلم بر او سخت‌تر خواهد بود.» (همدانی، ۱۳۸۰، صص ۳۱-۳)

۱۳- زمان آگاهی و اطلاع از نقشه‌های دشمنان:

دولت دینی از آنجایی که چیزی را برای خود نمی‌خواهد و دولتمردان فقط در فکر حفظ نظام اسلامی و دینی هستند و طبق دستورات الهی عمل می‌کنند، زمان آگاهی و اطلاع از نقشه‌های دشمنان را از وظایف خود می‌دانند و معتقدند به فرمایشات مولایشان امام علی^(ع) که می‌فرمایند:

«شبهات به کسی که زمان خود را می‌شناسد، یورش نمی‌آورند.» و نیز «هرکس بازمان دشمنی کند، بر زمینش می‌کوبد و هرکس تسلیم آن شود، به سلامت می‌ماند.» (محمد ری شهری، ۱۳۸۱، ص ۶۹)

در خطبه ششم، آنجا که به امام گفتند در پی طلحه و زبیر نرود و آماده‌ی نبرد با آنان نشود، حضرت^(ع) فرمودند: «و الله لا اکون کالضبیغ تنام علی طول اللدم، حتی یصل الیها طالبها، ویختلها راصدها. به خدا من مانند کفتار نباشم که با صدهایی که حول وحوش او می‌آید به خواب رود، آنگاه فرییش دهند و شکارش کنند.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۶)

البته که چنین نیستم و نمی‌توانم چنین باشم، من باید قیام کنم: «ولکنی اضرب بالمقبل الی الحق المدبر عنه، وبالسامع المطیع العاصی المریب ابدأ.» و به یاری کسی که به حق روی آورده و شنوا و فرمانبر است، شمشیر می‌زنم و با گناهکار رو گردانیده از حق، تا آن هنگام که زنده‌ام، خواهم جنگید و در مقابل طلحه‌ها و زبیرها آرام نمی‌نشینم.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۶) و در جای دیگر می‌فرماید: «و الله ما استغفل بالمکیده، ولا استغمره بالشدیده! به خدا سوگند که من غافلگیر نمی‌شوم تا درباره‌ام مکر و حيله به کار برده شود.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۱)

۱۴- پاسخ به تبلیغات دشمنان:

همان‌گونه که تبلیغ اسلام را زنده نگه می‌دارد، تبلیغات سوء نیز در نابودی دین و باورها و لطمه زدن به اسلام می‌تواند مؤثر باشد. در دولت دینی تبلیغات دشمنان علیه اسلام و دین، بی‌پاسخ نمی‌ماند. لازم به ذکر است که این مورد نیز در رفتار و کردار و حکومت‌داری علی^(ع) بسیار مشهود بود، تا آنجا که حضرت علی^(ع) همواره با چهره‌های باز با مردم برخورد می‌کرد و بسیار مهربان بود و از همین روی ابن‌الناغیه (عمرو عاص) بر آن شد تا در میان مردم چنین تبلیغ کند که علی سبک‌سر و شوخ‌طبع است. حضرت هم در اینجا ساکت نمی‌نشیند و چنین پاسخ می‌دهد: «از عمر و عاص در شگفتم که در میان مردم شام چنین تبلیغ می‌کند که علی بن ابی‌طالب شوخ‌طبع و سبک‌سر است، درحالی‌که بر باطل رفته و دروغ گفته و از روی گناه حرف زده است». البته در اینجا نکات مهمی وجود دارد که یکی از آنها این است که حضرت می‌فرماید: «یاد مرگ مانع از آن است که من شوخ‌طبع باشم» و دیگر اینکه امام فرمودند: «مانع او از بیان حرف حق این است که آخرت را فراموش کرده است».

آری دولتمردان دینی تبلیغات سوء را در برابر اسلام و همچنین تبلیغاتی را که علیه خودشان و به‌منظور ضربه زدن به دین و نحوه‌ی عملکرد صحیح باشد بی‌پاسخ نمی‌گذارند.

۱۵- ارتباطات مردمی:

آن‌چنان‌که قبلاً اشاره شد دوام و بقای دولت دینی در دسترس بودن عوامل دولتی و حکومتی است، به‌گونه‌ای که مردم بتوانند به‌راحتی و بدون هرگونه مشقت و رنجی با مسئولین و دولتمردان و حاکمان در ارتباط باشند و حوائج خود را نزد ایشان بیان نمایند. به‌راستی بر فرمانروایان و صاحبان مناسب است که خود را از دسترس مردم دور نگاه ندارند و احتجاج نکنند و برای خودشان حاجب و دربان قرار ندهند. امام علی^(ع) در این خصوص به مالک اشتر می‌فرماید:

«... هرگز احتجاج خود را از رعیت طولانی نکن... زیرا از مردم کناره گرفتن، نمونه‌ای از سخت‌گیری است و باعث می‌شود که انسان بسیاری از اخبار و اطلاعات امور را به دست نیآورد و کنار بماند... همیشه قسمتی از وقت خود را برای ملاقات با نیازمندان قرار ده... و در مجلسی عمومی بنشین... و در آن مجلس در مقابل خالقت تواضع کن و دیگر لشکریان و یاران را آنجا نباشند... تا هرکس می‌خواهد بدون نگرانی و لکنت زبان سخن بگوید، من از پیغمبر^(ص) شنیدم که فرمود: «امتی که در آن ضعیف نتواند حق خود را از قوی بگیرد و در گفتار درماند، قداست ندارد.» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، به نقل از: همدانی،

۱۶- آزادی و تأمین آن برای انسان‌ها:

انسان موجودی است که آزاد آفریده شده و این آزادی او حرمت دارد و نباید او را از آزادی‌های قانونی و مشروعش منع کرد. یکی از بایسته‌ها و مؤلفه‌های دولت دینی این است که به آزادی افراد احترام گذارده و زورگو و دیکتاتور نیست و اگر مردم از چنین دولتی تبعیت می‌کنند، این پیروی کردن داوطلبانه و آزادانه است. در دولت دینی و حکومت اسلامی مردم آزادانه به اظهارنظر و بیان عقیده می‌پردازند، از حقوق خود دفاع می‌کنند، انتقاد می‌کنند و پیشنهاد می‌دهند. در دولت اسلامی زورگویی جایی ندارد و شخصیت انسان‌ها به خاطر انسان بودنشان مورد احترام است. امام علی^(ع) در این باره نیز می‌فرماید: «ولاتکن عبد غیرک وقد جعلک الله حراً» به این معنی که: خداوند تو را آزاد قرار داده است، بنابراین بنده‌ی دیگری نباش!

در پاسخ به سؤال آزادی چیست؟ باید بگوییم؛ آزادی یعنی: «اختیار و توانایی برای گرفتن تصمیم و عملی کردن آن. تفسیر و تفصیل آزادی دو چیز است: نخست آنکه انسان در معرض فشار و مزاحمت و آسیب دیگران نباشد. دوم آن که بتواند هر چه را بخواهد-به شرط آنکه فشار و مزاحمت و آسیبی به دیگران وارد نیورد-انجام دهد. اولی را آزادی منفی و دومی را آزادی مثبت می‌نامند.» (موحد، ۱۳۸۱، ص ۲۱۳)

اگر بخواهیم برای آزادی قلمرو و محدوده‌ای فرض کنیم باید اذعان کنیم که این نظم و قانون است که حد آزادی فردی را معین می‌کند و قلمرو آن را از ولنگاری و اباحی‌گری جدا می‌سازد: «قلمرو آزادی طبعاً محدود است چه در غیر این صورت هر کس تا هر کجا که دستش برسد در زندگی دیگران مداخله می‌کند. آزادی نامحدود به هرج و مرج می‌انجامد و تأمین حداقل زندگی را ناممکن می‌سازد و ضعیفا پایمال اقویا می‌شوند.» (برلین، بی تا ص ۲۳۹)

آزادی در محدوده‌ی شریعت اسلامی یکی از عناصر حکومت اسلامی است. حال همان‌گونه که افراد در دولت دینی آزادانه زندگی می‌کنند و زیر بار زور و ظلم نمی‌روند، خود دولت اسلامی نیز در مجموع دولت‌ها و حکومت‌ها آزاد است و آزادانه اقدامات شایسته‌ی خود را ادامه می‌دهد وزیر باز ظلم و ستم نمی‌رود و از هیچ ابرقدرتی ترس و واهمه ندارد.

۱۷- رعایت اصول اخلاقی توسط مأمورین دولت و دولتمردان:

در دولت دینی به مأمورین دولتی و مسئولین حکومتی در زمان انتصاب بسیار سفارش می‌گردد که اصول اخلاقی و اجتماعی را رعایت کنند و تا زمانی که به این مسائل پایبند باشند در رأس امور می‌باشند و چنانچه از این مسیر تخطی نمایند در دستگاه دولت دینی جایگاهی ندارند.

برای مثال می‌توان به محمد بن ابی بکر، هنگام اعزام به مصر، اشاره نمود، که امام علی^(ع) وی را چنین سفارش فرمود:

«فاخفض لهم جناحك والن اهم جانبك وابسط لهم مجهك وأس بينهم فى اللحظه والنظره. با مردم به تواضع برخورد کن و با ملایمت و با چهره باز؛ حتی در نگاه کردن به اشخاص، چه به گوشه‌ی چشم بنگری و چه خیره شوی، میان آنان نباید فرقی گذاشته شود.» (نهج البلاغه، نامه ۲۷)

از این قبیل عبارات و سفارش‌ها، به هنگام نصب عمال ولایات در شهرها، از امام علی^(ع) بسیار نقل شده است و فی المثل در همان نامه می‌خوانیم:

«بهترین ذخیره‌های تو (محمد بن ابی بکر) در انجام این مأموریت، عمل صالح باشد... علی^(ع) در اینجا توصیه می‌فرماید که محمد بن ابی بکر خودش را بشکند و نفس خود را هنگام شهوات و سرکشی‌ها مهار کند، برای اینکه این نفس آدمی را به بدی وامی‌دارد، مگر خدا رحمت آورد... اگر در اثر ثروت غروری به تو دست داد، به بالای سر نگاه کن و عظمت ملک پروردگار را که برتر از تو است بنگر، تا بدانی که انسان چقدر در برابر عظمت این عالم حقیر و ناچیز است.» (نهج البلاغه، نامه ۲۷، به نقل از: همدانی، ۱۳۸۰، صص ۳۱-۳)

۱۸- نظارت بر اعمال کارگزاران:

در دستگاه حکومت بر روی کار دولتمردان، مسئولین و کارگزاران نظارت دقیق و همه‌جانبه است، تا خدای نکرده کسی از انجام وظایف خود به طرز شایسته عدول نکند و اجحافی به مردم در این زمینه صورت نگیرد و حقی تضییع نگردد و همچنین خدای ناکرده کسی از پست و مقام خود سوءاستفاده ننماید، که اگر چنین شود چنین دولتی دیگر دولت دینی نخواهد بود.

در اینجا می‌توانیم به نامه مولای متقیان^(ع) خطاب به شریح بن حارث که از قضات ایشان بود اشاره نماییم؛ آن حضرت چون دریافتند شریح خانه‌ای را به ۸۰ دینار خریده است، او را خواستند و فرمودند:

«به من خبر رسیده است که تو خانه‌ای به ۸۰ دینار خریده و سندی از برای آن نوشته‌ای... شریح گفت: آری ای امیر مؤمنان چنین بوده است. حضرت با غضب به شریح نگاه کرد و فرمود: بدان که به‌زودی کسی به سروقت تو خواهد آمد که نه به سنت نگاه کند و نه به شاهدت، تا اینکه تو را از این خانه بیرون ببرد و... مبادا پول این خانه را که خریده‌ای، از غیر حلال یا از غیر مال خود داشته باشی که در این صورت دردار دنیا خسران دیده و منزل آخرت را نیز از کف داده‌ای.» (نهج البلاغه، ترجمه نامه ۳)

به‌راستی در دستگاه دولتی که به نام و صفت اسلامی و دینی مزین است اگر دیده شود که کارگزاران در جلسات مجلل شرکت می‌نمایند که فقرا از شرکت در آن معذورند، می‌توان نام آن دستگاه را دینی و اسلامی نهاد؟ و آیا اگر چنین مسئولی در حکومت اسلامی در رأس کاری باشد نباید هرچه سریع‌تر او را خلع نمود؟ امام علی^(ع) در قضیه‌ی مربوط به عثمان بن حنیف که در جلسه‌ی میهمانی شرکت کرده بود و در آنجا فقط ثروتمندان حضور داشتند می‌فرماید:

«و ما ظننت انک تجیب الی طعام قوم، عائلهم مجفو، وغنیهم مدعو. گمان نمی‌کردم تو (به‌عنوان کارمند حکومت علوی) در جلسه‌ی میهمانی‌ای شرکت کنی که فقرا را از آنجا برانند و اغنیا را بدان بخوانند.» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۴)

۱۹- تقدیر و تشویق شایستگان:

انسان به‌گونه‌ای آفریده شده است که در هر جایگاهی که باشد نیاز به تشویق و تمجید دارد و اگر چنین نباشد انگیزه فعالیت از وی گرفته می‌شود. همان‌گونه که تنبیه انسان را از انجام کارهای ناشایست بازمی‌دارد، تشویق نیز وی را به انجام کارهای شایسته وامی‌دارد. لذا در دولت دینی این امر مهم باید موردنظر باشد و کارمندان، کارگزاران و مسئولینی که به نیکی کار خود را انجام می‌دهند مورد تشویق واقع گردند، همان‌گونه که خداوند متعال نیز وعده‌ی بهشت و تقرب خود را به نیکوکاران داده است. از منظر مولا علی^(ع) بایستی رنج مایه‌ی هر کس شناخته شود، نیکوکاری‌های هیچ‌کس به پای دیگری گذارده نشود و در قدردانی از زحمات کوتاهی نگردد که اگر چنین شود خیانت است. حضرت علی^(ع) می‌فرماید:

«ولا یكونن المحسن والمسیء عندک بمنزله سواء فان فی ذلک تزهیداً لاهل الاحسان فی الاحسان، وتدریباً لاهل الاساءه علی الاساءه! مبدا نیکوکار و بدکار در نزد تو مساوی باشند که اگر این‌طور بشود، نیکوکاران انگیزه‌ی درستکاری را از دست دهند و بدکاران در بدکرداری جرأت پیدا کنند.» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

۲۰- اهتمام نسبت به قضاوت و وظایف قضات:

یکی دیگر از بایسته‌های مهم در حکومت اسلامی توجه و عنایت نسبت به امر قضاوت و نحوه‌ی عملکرد قاضیان است تا حقی ضایع نگردد و آهی به گوش نرسد. در دولت اسلامی و دینی قاضی باید برترین مردم باشد، به‌دقت و هوشمندی داوری کند، کارها بر او دشوار نیاید، از لجاجت و لغزش و خطا دوری گزیند، هیچ‌گاه از حق فاصله نگیرد، با برهان قاطع و شناخت کافی به صدور حکم همت گمارد، به حرص و طمع روی نیارد و مراقب باشد که از ستایش و خوشامدگویی دیگران، به ورطه‌ی هولناک خودبینی و خودپسندی فرونیفتد. در این راستا، چنانچه معیشت قاضی به‌خوبی تأمین شود، دیگر

اندیشه‌ی رشوه و آزمندی در او قوت نخواهد گرفت و بی تردید از فساد و تباهی در امان خواهد ماند.» (همدانی، ۱۳۸۰، صص ۳۱-۳)

در این راستا در عهدنامه مالک اشتر می‌خوانیم: پس برای قضاوت و داوری بین مردم، بهترین رعیت را اختیار کن؛ کسی که کارها به او سخت نیاید (از عهده‌ی هر حکمی برآید، نه آنکه ناتوان باشد) و نزاع کنندگان در ستیزه و لجاج، رأی خود را بر او تحمیل نکنند و در لغزش پایداری نکنند و از بازگشت به‌حق، هرگاه آن را شناخت، درمانده نشود (چون به خطای خود آگاه شد یا او را به آن لغزش آشنا نمودند بازگردد، نه آنکه بر اشتباه خویش ایستادگی کند) و نفس او به طمع و آز مایل نباشد زیرا اگر طمع داشته باشد نمی‌تواند به‌حق حکم کند و در حکم دادن به اندک فهم، بدون به‌کار بردن اندیشه‌ی کافی اکتفا نکند (بلکه جستجو نماید تا منتهای درجه‌ی آنچه لازم است به دست آورد) و کسی که در شبهات تأمل و درنگش از همه بیشتر باشد (در امر مشتبه تا حقیقت را به دست نیاورد حکم ندهد) و حجت‌ها و دلایل را بیش از همه فراگیرد و کم‌تر از همه از مراجعه دادخواه دل‌تنگ شود و بر (رنج بردن در) آشکار ساختن کارها از همه شکیباتر و هنگام رو شدن حکم، از همه بنده‌تر باشد (چون به مطلب پی برد فوری حکم آن را بدهد در آن تأخیر نیندازد که موجب سرگردانی نزاع‌کننده‌ها شود).

کسی که بسیار ستودن او را به خودبینی و اندارد و برانگیختن و گول زدن، او را مایل (به یکی از دو طرف) نگرداند که حکم دهندگان آراسته‌ی به این صفات کم به دست می‌آیند (باید در طلب ایشان بسیار سعی و کوشش نمود)، پس از آن از قضاوت او بسیار خبرگیر و واری کن (مبادا خطایی از او سرزند که نتوانی جبران نمود) و آن قدر به او بخش و زندگی‌اش را فراخ ساز که عُذر او را از بین ببرد و نیازش به مردم بدان بخشش کم شود تا بهانه‌ای برای رشوه گرفتن نداشته باشد و به‌راستی و درستی، در کارها حکم نماید. (ترجمه نامه ۵۳ نهج‌البلاغه، به نقل از: همدانی، ۱۳۸۰، صص ۳۱-۳)

۲۱- توجه به کشاورزان و دیگر اصناف:

باید به این گروه رسیدگی و کمک شود و اگر در کارشان اشکال وجود دارد، مرتفع گردد و از آنجایی که تهیه‌ی قوت و غذای مملکت بر عهده‌ی کشاورزان است، باید توجه ویژه به امور آنان شود:

«همیشه زمین از این جهت تخریب می‌شود که فقرا و مستمندان مشغول کشاورزی در آن باشند، و رعیت، نیازمند و پریشان می‌شود به توجه حکمرانان به جمع آوردن (مال و دارایی) و بدگمانی‌شان به پایداری حکومت و ریاست خود... بنابراین توجه تو در آباد کردن زمین‌ها باید بیش از آن باشد که غرق در اخذ مالیات باشی، زیرا خراج گرفتن، جز به آبادانی میسر نشود و کسی که مالیات بگیرد و مملکت را آباد

سازد، بلاد را خراب می‌کند و بندگان خدا را به هلاکت می‌رساند.» (ترجمه نامه ۵۳ نهج‌البلاغه، به نقل از: همدانی، ۱۳۸۰، صص ۳۱-۳)

۲۲- توجه به مشورت:

رمز موفقیت در امور را اگر جستجو کنیم، آن را در مشورت خواهیم یافت. مشورت کردن آن قدر از جایگاه عظیم و والایی برخوردار است که خداوند متعال جهت آگاه نمودن بندگان خود، سوره‌ای از کتاب ارزشمند و آسمانی خود را به آن اختصاص داده است. در دولت دینی که از دستورات الهی تبعیت می‌کند هم دولتمردان مشورت می‌کنند و هم مردمان. به‌راستی همین حاضر شدن پای صندوق‌های رأی، خود بالاترین نمود مشورت در تعیین سرنوشت مملکت و حکومت‌داری و توجه به نظر عموم است.

حضرت علی^(ع) در خصوص مشورت در حکومت‌داری می‌فرماید:

«من استقبال وجوه الأراء، عرف مواقع الخطاء! کسی که جوانب رأی‌ها و افکار مردم را در نظر بگیرد و از آن‌ها استقبال کند، به خطاهای خود بهتر پی می‌برد» (نهج‌البلاغه، کلمه قصار ۱۶۴)

در جای دیگر نیز آمده است: «کسی که استبداد به خرج بدهد، دچار هلاکت می‌شود و آنکه با مردم مشورت کند از عقول و افکار آن‌ها استفاده می‌کند.» (نهج‌البلاغه، ترجمه کلمه قصار ۱۵۲، به نقل از: همدانی، ۱۳۸۰، صص ۳۱-۳)

۲۳- تعلیم و تربیت اسلامی و موعظه:

در حکومت اسلامی و دولت دینی، تعلیم و تربیت اسلامی از جایگاه بسیار والایی برخوردار است و نه تنها این امر جنبه‌ی رسمی دارد، بلکه در سخنرانی‌های بزرگان از جمله رهبر جامعه و دیگر بزرگان و به مناسبت‌های گوناگون موعظه‌ها و نصایح و تربیت افراد به گوش می‌رسد که این خود نشأت گرفته از نحوه‌ی حکومت‌داری مولای متقیان علی^(ع) است.

مقلوبه‌ی تعلیم و تربیت توأم با تعهد اسلامی مورد تأکید بسیار شدید امام علی^(ع) است:

«ای مردم مرا بر شما حقی است و شمارا نیز بر من حقی. حق شما آن است که من خیرخواهتان باشم و سعی کنم که زندگی شما در رفاه باشد و شمارا تعلیم دهم تا جاهل نباشید و آداب‌تان بیاموزم تا دانا باشید.» (نهج‌البلاغه، ترجمه خطبه ۳۴)

حضرت علی^(ع) وعظ و نصیحت را هیچ‌گاه فراموش نمی‌کرد و مردمان را مرتباً نصیحت می‌نمود و خطبه

ایراد می‌کرد و خطبه‌های ایشان از مضامین بسیار عجیبی برخوردار است؛ به‌عنوان نمونه ابن ابی‌الحدید درباره‌ی یکی از این‌ها می‌گوید: «واقسم بمن تقسم الامم کلها به لقد قرأت هذه الخطبه منذ خمسين سنه والی الآن اکثر من الف مره. بدین مضمون که من به آنچه همه‌ی امت‌ها قسم می‌خورند سوگند یاد می‌کنم که این خطبه را، از پنجاه سال پیش به این طرف، بیش از هزار دفعه خوانده‌ام و هر بار در نفس من اثر جدیدی برجای نهاده است.» (ابن ابی‌الحدید (بی‌تا)، ج ۱، ص ۱۵۳) سپس می‌گوید: «چقدر خطبا حرف زدند، ولی کیست که مثل علی بن ابی‌طالب^(ع) این قدر با فصاحت و بلاغت سخن گفته باشد؟» (همدانی، ۱۳۸۰، صص ۳۱-۳)

آری سعی و تلاش همگان در حکومت دینی آن است که تعلیم و تربیت اسلامی و توأم با تعهد اجرا گردد که اگر چنین شود تمام مشکلات موجود در جامعه حل خواهد شد.

۲۴- صلح و امنیت:

صلح و امنیت لازمه‌ی هر دولت و حکومتی است، حال آنکه دولت، یک دولت دینی باشد، در چنین حکومتی تمام دولتمردان سعی بر گسترش امنیت و ایجاد صلح می‌نمایند و آن را به‌عنوان بهترین هدیه به مردم خود به ارمغان می‌آورند، حضرت علی^(ع) در دوران حکومت خود سعی و تلاشش بر برقراری صلح و امنیت بود و افراد جامعه‌اش را به زیر چتر امنیت و آسایش خود پناه داده بود.

امنیت در لغت به معنای: ۱- ایمن شدن، درامان بودن و ۲- بی‌بیمی آمده است. (معین، ۱۳۸۱، ص ۱۲۲، حرف الف) امنیت را حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر نوع تهدید و حمله نیز تعریف کرده‌اند (آشوری، ۱۳۷۰، ص ۳۸)

امنیت یکی از مواهب الهی است که بشر همواره خواستار آن بوده و هست. رسیدن به یک امنیت پایدار رمز بقای جامعه و بقای انسان محسوب می‌شود و از حقوق افراد و شهروندان به شمار می‌آید. حضرت ابراهیم^(ع) هنگامی که بنای خانه‌ی خدا را گذاشت اولین چیزی را که از خداوند متعال برای آن سرزمین طلب نمود نعمت امنیت بود. آنجا که می‌فرماید: «رب اجعل هذا البلدا منا. پروردگارا این شهر را شهر امنی قرار بده» (ابراهیم/۳۵)

امنیت در درون انسان‌ها، امواج نامرئی عزت‌نفس، تلاش و کوشش، انگیزه و دل‌بستگی با عوامل محیطی ایجاد نموده، انسان‌ها هر لحظه با قدم‌های استوار و عزم راسخ، به‌طرف امیدها و آرزوها به‌پیش رفته و نفس او را به‌حق متصل می‌کند. امنیت از واقعیت‌های مهم جوامع بشری است و کمتر انسانی را می‌توان یافت که از هرج‌ومرج و تجاوز به حقوق دیگران، بی‌عدالتی، حق‌کشی، برادرکشی، بی‌بندوباری و... راضی

و خرسند باشد. (هدایت، ۱۳۸۶، شماره ۷۲، صص ۳۹-۴۶)

مطالب زیادی درباره‌ی امنیت در نهج‌البلاغه آمده است، از جمله: «اللهم انک تعلم انه لم یکن الذی کان منا منافسه فی سلطان، ولا التماس شیء من فضول. خدایا تو می‌دانی حکومت را که تأسیس کردیم، نخواستیم با سلطنت‌طلبان و آنان که در فکر حکومت‌اند، رقابت کرده و مال و ثروت زیادی به دست آورده باشیم. بلکه می‌خواستیم دین را زنده کنیم و اصلاح به وجود آوریم.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳۱)

باید توجه داشت که اصلاح‌طلبی که حضرت امیر^(ع) در اینجا آغازگر آن است، جزء عناصر دین است. امام صادق نیز می‌فرماید: «من استوی یوماه فهو مغبون». هر کس دو روزش مساوی باشد مغبون است، یعنی همیشه باید به جلو و به سوی پیشرفت حرکت کرد و رو به‌جانب اصلاح گام برداشت.» (مجلسی، ۱۱۴۰۳ هـ ق، ج ۷۱، ص ۱۳۷) در باب هدف مولی‌الموحدین^(ع) از تأسیس حکومت نیز می‌خوانیم:

«ولکن لنرد المعالم من دینک، ونظهر الاصلاح فی بلادک، فیأمن المظلومون من عبادک. بلکه برای این بود که آثار دین تو را بازگردانیم و در شهرهای تو اصلاح و آسایش برقرار نماییم تا بندگان ستم‌کشیده‌ات در امن و آسودگی بوده باشند و احکام تو که ضایع مانده بود، جاری گردد.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳۱)

۲۵- وفای به عهد:

آنچه باعث دوام و قوام دولت دینی می‌گردد، اعتماد و اطمینانی است که بین دولت و ملت وجود دارد، و این اعتماد و اطمینان نیز حاصل وفای به عهد دولت در قبال ملت و ملت در قبال دولت است. به‌راستی چشم امید مردم نیازمند و ستم‌دیده در حکومت اسلامی به قول و وعده‌هایی است که از جانب دولت به ایشان داده می‌شود و اگر در وفای به عهد خود سهل‌انگاری کنند مردم نسبت به ایشان بی‌اعتماد شده و رابطه‌ای که باید باشد از بین می‌رود. در دولت اسلامی هیچ‌گاه به مردم قول و وعده‌ی مصلحتی داده نمی‌شود بلکه تمام سعی و تلاش در وفای به عهد است، زیرا چنین دولتی به فرموده‌ی رهبر کبیر انقلاب مردمان را ولی‌نعمت خود می‌داند و تمام کوشش در خدمت به ایشان است، و در این خصوص جای دارد خداوند متعال را به خاطر داشتن چنین حکومت و دولتی شاکر باشیم.

وفای به عهد و پیمان در دولت دینی به‌عنوان یک اصل بسیار مهم مطرح است، چراکه مردم به‌رغم آرزوهای گوناگون و اندیشه‌های پراکنده، بر هیچ‌یک از واجبات الهی نظیر بزرگ شمردن وفای به عهد هم‌داستان نیستند؛ به‌ویژه که آدمی در اسلام همواره خود را با تأکید بر نهی از پیمان‌شکنی مواجه می‌بیند. این تعلیم ارزنده را در اواخر عهدنامه‌ی مالک اشتر، با عبارات دل‌نشین زیر، می‌توان از نظر گذراند:

«لیس من فرائض الله شیء الناس اشد علیه اجتماعاً، مع تفرق اهلنا، و تشتت آرائهم، من تعظیم الوفاء بالعهد...، ولا تخینسن بعهدک. زیرا چیزی از واجبات خدا در اجتماع مردم با اختلاف هواها و پراکندگی اندیشه‌هایشان از بزرگ دانستن وفای به عهد را بین خود لازم می‌دانستند، به جهت آنکه وبال و بدعاقبتی پیمان‌شکنی را دریافته بودند.» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

۲۶- چگونگی اخذ مالیات:

درباره نحوه‌ی اخذ مالیات در دولت دینی، از منظر امام علی^(ع) مطلب فراوان است که به اشاره‌هایی از آن بسنده می‌کنیم. آن حضرت خطاب به مأمور مالیاتی خود فرمود: «انطلق علی تقوی الله. با پرهیزگاری برو مالیات بگیر؛ ولا ترومن مسلماً. و مسلمان نباید بترسد؛ ولا تجتازن علیه کارها. و باید به هر کجا که گام می‌گذاری، با رضا و رغبت مردم مواجه شوی؛ فاذا قدمت علی الحی. وقتی به قبیله ای رسیدی؛ فانزل بمائهم من غیر ان تخالط ابیاتهم. در آنجا که آب است فرود آی و به خانه‌های مردم در آی؛ ثم امض الیهم بالسکینه والوقار. چون آنجا منزل کردی، با سکینه و وقار و متانت به سوی ایشان رو؛ حتی تقوم بینهم فتسلم علیهم ولا تخرج بالتحیه لهم. سلام کن و آنها را تحیت فرست؛ ثم تقول: عبادالله، ارسلنی الیکم ولی الله و خلیفته، لاخذ منکم حق الله فی اموالکم... سپس بگو ای بندگان خدا، مرا ولی خدا فرستاده است که اگر حقی از خداوند در مال شما است بگیرم؛ فان قال قائل: لا، فلا تراجع. اگر کسی گفت بدهکار نیستم، دیگر کاری نداشته باش؛ وان انعم لک منعم. و اگر گفت که نه من بدهکارم با او برو؛ فانطلق معه من غیر ان تخیفه او توعده او تعسف او ترهقه. ولی وی را نترسان، بر او سخت‌گیر و با وی به دشواری رفتار مکن؛ فخذ ما اعطاک من ذهب اوفضه. فان کان له ماشیه. پس آنچه از زر یا سیم به تو دهد، بگیر و اگر او را گاو و گوسفند و شتر و این‌طور چیزها است، بی اجازه‌اش داخل نشو، حیوانی را مران و مترسان. بعد از آنکه او را گرفتی، وقت برگشتن، مواظب باش بچه‌ی شتر را از مادرش جدا نکنی، و هیچ حیوانی را به‌تندی نرانی. اگر بر آن‌ها سوار شدی، به هر کجا که رسیدی و آب و علف بود، به آنها بده.» (نهج‌البلاغه، نامه ۲۵) آری دقت‌های فراوان و عجیبی در این بیانات و سفارش‌ها ذکر شده است که اکنون باید مد نظر دولت دینی و حکومت اسلامی باشد تا موفق شود.

۲۷- شرایط زعامت:

آنچه در پایان از بایسته‌ها و اصول دولت دینی به نظر می‌رسد که باید بیان شود در باب شرایط زعیم و والی است، از حضرت علی^(ع) در این باره می‌خوانیم:

«کسی که بر حیثیت‌ها، جان‌ها، غنائم، اموال و احکام مسلمان‌ها ولایت دارد و امامت آن‌ها را بر عهده

می‌گیرد، نباید بخیل باشد زیرا در این صورت، چشم طمع به مال مردم می‌دوزد؛ نباید جاهل باشد، زیرا مردم را گمراه می‌کند؛ باید آدمی با ملایمت و مهربان باشد، زیرا اگر چنین نباشد مردم را پراکنده می‌سازد؛ باید شجاع باشد و از کسی نترسد؛ وگرنه به این طرف یا آن طرف تکیه می‌کند؛ نباید در صدور حکم رشوه بگیرد تا حقوق از بین رود و اگر رشوه بخورد، کارها را چنان‌که باید به سرانجام نرساند. همچنین باید سنت پروردگار یا سنت اسلامی را معطل نگذارد که اگر چنین کند، امت به هلاکت رسد.» (نهج‌البلاغه، ترجمه خطبه ۱۳۱)

و همچنین فرموده است: «لا یقیم امر الله سبحانه الا من لا یصانع، ولا یضارع، ولا یتبع المطامع. پس کسی که اهل سازش با دشمنان اسلام باشد و از سنت‌ها و آداب غلط پیروی کندو تابع امیال مطامع شخصی خود باشد، هرگز نمی‌تواند امور سیاسی و اداره جامعه‌ی اسلامی را به انجام رساند.» (نهج‌البلاغه، کلمه قصار ۱۰۷)

جمع بندی:

آری انقلاب شکوهمند اسلامی به ارمغان آورنده دینی‌ترین حکومت و دولت به همراه بود و به‌راستی که چنین دولتی خود را ادامه‌دهنده‌ی حکومت علوی می‌داند از این‌روست که نام دولت دینی به خود گرفته است و زمانی موفق خواهد بود، که در این دنباله‌روی اندکی سستی به خود راه ندهد. دولت دینی از منظر علی^(ع) دارای مبانی، اصول و بایسته‌های اخلاقی است که درسطور گذشته با این عناوین از آن‌ها یاد شد؛ اهتمام به بیت‌المال، دوری از مال‌اندوزی، انجام فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر، توجه به حال فقرا و نیازمندان، شفاف‌سازی امور، جلب رضایت مردم، حفظ کرامت انسان‌ها، عنایت خاص به قوای نظامی و نظارت بر کار قضات، سعی در اجرای عدالت و... مجموعه آنچه بیان گردید و آنچه که در متن مقاله آمده است نشانه‌های یک دولت دینی و حکومت اسلامی است که با ملاک قرار دادن آن‌ها می‌توان دولت‌ها را از دینی یا غیردینی بودن تمیز داد. پس دولت دینی در جامعه‌ی اسلامی، به‌ویژه ایران عزیز تمام سعی و تلاشش بر این است که پایبند این اصول و مبانی بوده و بدین‌گونه زنده‌کننده حکومت علوی گردد و تنها با این پایبندی است که می‌تواند در این زمینه موفق گردد. همچنین دولت و دولتمردان باید تمام هدفشان شناسایی افراد متعهد، متخصص و دیندار باشد و پس از شناسایی با سپردن امور و مسئولیت بدان‌ها درهرچه بیشتر دینی کردن دولت، حکومت و خدمت به خلق بکوشند و در این راستا از خداوند متعال مدد گیرند.

راهکارها:

راهکارها و پیشنهادهایی را که می‌توان در رسیدن هرچه بهتر به دولت دینی و تحقق اخلاق اسلامی ارائه

نمود از این قرار است:

- ۱- ارتقای سطح بینش و آگاهی مردم جهت حضور در صحنه، انتخابات و برگزیدن نیروهای متدین کارآمد و اصلح و سپردن امور به دست آن‌ها.
- ۲- شناسایی افراد لایق و باایمان و دادن مسئولیت به ایشان.
- ۳- تشویق نیروهای دلسوز، متدین و کارآمد و برکنار کردن نیروهای ناکارآمد و خیانتکار با قاطعیت.
- ۴- دور شدن از شعارگرایی و پرداختن به عمل‌گرایی.
- ۵- عملی کردن سیره‌ی مبارک حضرت علی (ع) در دستگاه دولتی و حکومتی به هر شکل ممکن، از جمله برگزاری دوره‌های آشنایی و ضمن خدمت برای کارمندان دولت در تمام سطوح و نیز بهره‌گیری از رسانه‌های جمعی.
- ۶- اجرای طرح نظارت دقیق بر عملکرد کارکنان، مسئولین و...
- ۷- انجام فریضه‌ی الهی امر به معروف و نهی از منکر.
- ۸- توجه به حال محرومان و اجرای عدالت اجتماعی و اعتقاد به ولی‌نعمت بودن اقشار ضعیف و مستمند.
- ۹- انجام تبلیغات به طرز صحیح و باور به اینکه اسلام با تبلیغ زنده است.
- ۱۰- و به‌طور کلی سعی در عملی نمودن تمام مبانی و اصول حاکم بر دولت دینی.

منابع:

۱. قرآن مجید، آیات و سوره‌ها، تمامی چاپ‌ها.
۲. شریف رضی (۱۳۷۹)، نهج الیلاغه، (خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار)، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.
۳. آشوری، داریوش (۱۳۷۰)، فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی، تهران: بی‌نا.
۴. الهندی، علاءالدین علی المتقی بن حسام‌الدین (۱۳۹۷ هـ)، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، تصحیح صفوه السق، الطبعة الأولى، مکتبه التراث الإسلامی.
۵. ابن ابی الحدید، عزالدین (بی‌تا)، شرح نهج‌البلاغه، به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۱۱، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۶. ابن بابویه (شیخ صدوق)، ابوجعفر محمد بن علی (۱۳۸۹ هـ ق)، کتاب الخصال، تهران: چاپ آفتاب.
۷. برلین، آلیزنا (بی‌تا)، چهارمقاله در آزادی، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: بی‌نا.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۶ هـ ق) وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. طبع عبدالرحیم

- الربانی الشیرازی، ج ۱۱، بیروت: دار احیاء العربی.
۹. حکیمی، محمد (۱۳۸۰) امام علی، عدل و تعدل. قم: انتشارات دلیل ما.
۱۰. راسم النفیس، احمد (۱۳۸۰)، امام علی و عدالت اجتماعی، ترجمه دکتر محمدکاظم فرقانی، «فصلنامه علوم انسانی» تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، صص ۱۳۷-۱۸۱
۱۱. روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۸۲/۵/۲۰، شماره ۶۹۸۳
۱۲. قربانی لاهیجی، زین‌العابدین (۱۳۷۸)، فریضه امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن و حدیث، تهران: انتشارات سایه.
۱۳. کلینی رازی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۱ ه ق)، الکافی (اصول و فروع)، بیروت: دارالصعب و دارالتعارف.
۱۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ه ق)، بحارالانوار، ج ۴۰، بیروت: دارالترتیب العربی.
۱۵. مجیدی، غلامحسین (۱۳۷۹)، نهج الفصاحه، چاپ اول، قم: موسسه انصاریان.
۱۶. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۱)، حکمت نامه بسیج، قم: سازمان چاپ و نشر درالحدیث.
۱۷. معاونت فرهنگی پرورشی نیروی مقاومت بسیج (۱۳۸۲)، نهضت خدمت‌رسانی به مردم، تهران: انتشارات نیروی مقاومت بسیج.
۱۸. معین، محمد (۱۳۸۱)، فرهنگ فارسی، تک‌جلدی، تهران: انتشارات سرایش.
۱۹. موحد، محمدعلی (۱۳۸۱)، دره‌های حق و عدالت (از حقوق طبیعی تا حقوق بشر)، تهران: نشر کارنامه.
۲۰. نمایندگی ولی‌فقیه در نیروی مقاومت بسیج (۱۳۸۶)، نظام اسلامی و امنیت اخلاقی و فرهنگی، «ماهنامه هدایت» شماره ۷۲، تهران: انتشارات نمایندگی ولی‌فقیه در نیروی مقاومت بسیج، صص ۳۹-۴۶
۲۱. نوری همدانی، حسین (۱۳۸۰)، اصول و مبانی حکومت اسلامی از منظر امام علی^(ع)، «مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی امام علی^(ع) و عدالت، وحدت و امنیت»، ج ۱، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، صص ۳-۳۲